

کوتاه نوشته‌ها

پایان رقابت نفسگیر



محمدرضا محمدتی فهیم منتقد سینما

فرداشب نامرذه‌های این دوره جشنواره هم اعلام می‌شود تا پایان این رقابت نفسگیر رقم بخورد. شاید برای با تجربه‌ها این ایستگاه صرفاً موفقیت دیگری باشد اما برای جوان‌ها و فیلم‌اولی‌ها بی‌تردید، ذوق و شوق آینده‌سازی در انتظارشان است. کوتاه‌نوشته‌های چندفیلم دیگر را بخوانید:

لئون غیر حرفه‌ای؛ کت چرمی

ارزش‌گذاری (●●●●)

حسین میرزامحمدی نام فیلمش را از مراسمی گرفته است که اساساً در سینمای مانی‌توان به آن نزدیک شد. مگر این‌که کسی خلاقیّت به خرج بدهد و با تمهیدات و ترفندهایی آن را بسازد که در اینجا فقط از آن اسم برده می‌شود. خب همین محافظه‌کاری و فقدان خلاقیّت لازم باعث شده تا همه اِکّان اثر آسیب ببیند. فیلم «کت چرمی» در تم و برخی مؤلفه‌ها یادآور آثار کارآگاهی به‌وفور ساخته شده در غرب است اما فیلم در زمین همین تم کار نمی‌کند، بلکه انتقام شخصی را هم موتور محرکه درام می‌کند (چه خوب) اولی‌بااین مهم نمی‌تواند قصه پر کندل‌دا موضوع قصاص و جلب رضایت والدین دم را بریزگ می‌کند، همچنان‌که از موضوع اعتیاد و گشت و گذار در بیغوله‌ها هم نمی‌گذرد (به سیاق فیلم متری شش‌ونیم) حالا داستانک مؤسسه کلاهبرداری و فساد مالی و جنایت‌پیشه را هم که قاعدتاً می‌بایست سوار داستان کارآگاهی می‌بود در دل چند داستان دیگرگم یا کم‌رنش می‌کند تا فیلم به دلیل نداشتن «بدمن» از نفس بیفتد. فیلم در مجموع امدار آثار ساخته شده پیش از این است، از لئون حرفه‌ای تا امرد بازنده و... البته این رویکرد وقتی قابل اغماض است که نگاه تازه در مضمون و مؤلفه‌های خاص فیلمساز در فرم لحاظ شده باشد، چیزی که در کت چرمی وجود ندارد. بازی‌ها کلاس ماندنی ندارد فقط ساراحتامی جلوه‌مند ظاهر شده است.

فقط نصیریان: هفت بهار نارنج

ارزش‌گذاری (●●●●)

فرشاد گل‌سفیدی در مقام فیلمبردار با سابقه و پرکار سینمای ایران مثل خیلی‌های دیگر نتوانسته خود را از وسوسه کارگردانی دور نگه دارد و بالاخره برای ساخت فیلم «هفت بهار نارنج» روی صندلی کارگردانی نشسته است اما حاصلش یک تله‌فیلم شده است. البته گل‌سفیدی از ابتدا می‌دانسته که قصه و کلا دستمایه‌اش مناسب پرده عریض سینما نیست و لذا پروانه ساخت ویدیویی گرفته است، حالا شاهدیم که این ویدئو با تغییر پروانه به بخش مسابقه راه یافته است. قریب به اکثریت فصل‌های فیلم با حضور علی نصیریان است و به احتمال قوی هیات انتخاب هم به دلیل همین حضور مؤثر حکم به ورود آن به جشنواره داده‌اند. فیلم هفت بهار نارنج به تقابل عشق و قتل می‌پردازد، کاری که میثائیل هانکه قبل‌تر سرافش رفته و مخاطبان این سبک و سیاق را راضی کرد اما اینجا گل‌سفیدی نتوانسته فیلمش را از ساختار و قالب‌بندی تله‌فیلم‌ها جلوتر ببرد. پیرمردی که همسرش هفت سال به دستگاه وصل است حاضر به پذیرش مرگ او نیست و دائم با خاطرات او زندگی می‌کند. فیلم از نظر تعداد بازیگر و حتی محیط و لوکیشن خیلی جمع و جور است، درعین‌این‌که فاقد داستانک است. فیلمساز همه ایده تا اجرا را متوسل به نصیریان بوده است و الاّن هم خروجی‌اش ارغمانی برای سینمای ایران در گرایش تماشاگر نخواهد داشت، چرا که به‌جز تک سکانس‌هایی از نصیریان مانند آوازخوانی در دل محیط شمال و کلاس بازیگری او چیزی قابل توجه ندارد.

باقیمانده در سطح: روایت ناتمام سیمّا

ارزش‌گذاری (●●●●)

علیرضا صدقی که قبلاً «صحنه‌زنی» را از او به‌خاطر داریم با فیلم روایت ناتمام سیمّاگرچه ایده و موضوع حساس و به‌روزی را دستمایه قرار داده است اما نتوانسته همه آنچه را می‌خواسته تبدیل به درامی مؤثر و جذاب کند. رفتن سراغ فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی لازمه‌اش پژوهش تام و تمامی بوده است تا بتواند در فیلمنامه و اجرا به پراهمیت‌ترین خطرات و آسیب‌های آن پرداخت، حال آن‌که در این فیلم موضوع سلبریتی‌ها و خیانت را مطلق نظر قرار داده‌اند. پریشی که در این زمینه وجود دارد این‌که آیا سلبریتی‌ها از ناحیه طرح خیانت جامعه جنسی فردی دچار بحران می‌شوند یا خود آنان به نوعی با فالوئر بازی جامعه را دچار بحران کرده و در بستر اتهام‌زنی و تخریب نقش‌آفرین‌اند؟ فیلم در این رویکرد به‌شدت محافظه‌کار است. این بنیه ضعیف فیلم در تشخیص چیزهای پراهمیت‌تر اتفاق‌ها در شبکه‌های اجتماعی خود را به اجرا هم تحمیل کرده است به طوری‌که شخصیت‌های قصه همه پا در هوا هستند و هیچ‌کدام به اندازه اهمیت خود در واقعیت جاگذاری نشده و بدون پرداخت رها شده‌اند. مثلاً در عشق مثلی و خیانت سلبریتی فیلم، نقش دختر دانشجوی قدیمی و مسافرکش کنونی (غزل شاکری) قاعدتاً باید اصلی می‌بود و خانم دکتر فرعی که حالا در دو پرده اول فیلم دختر چندان محمل جلورفتن قصه نیست، لذا این دو پرده‌کش‌دار و بااضافات زیادی همراه است و وقتی نزدیک به پایان می‌شود گرّه‌پشت هم باز شده تا باثری آشفته روبه‌رو باشیم. در مجموع فیلم نتوانسته تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر جامعه و زیست‌مدن را دراماتیزه کند و اکنون با کاری پر شخصیت و کندوپراکنده مواجهیم.

روایت سپهر سیفی از یک فیلم متفاوت

واابل؛ ضیافت اشک‌ها و لبخندها



برش

شعار امسال جشنواره چقدر در برابر سینمای سیاه نما، مؤثر است؟



فیلم ما قصد سفیدنمایی یا سیاه‌نمایی جریان‌ی را ندارد و اگر هم نقدی به فضای اجتماعی و خانوادگی داشته، سعی کرده‌آن را با نگاهی هنرمندانه و انسانی به مخاطب القاکند تا تأثیری مثبت بر جای گذارد. فکر می‌کنم باید در استفاده از واژه سیاه‌نمایی احتیاط به خرج دهیم و هر فیلمی که قصد دارد برخی ناپهنجاری‌های جامعه را به نقد بکشد، فوری و به سرعت در فهرست فیلم‌های سیاه‌نما نگذاریم. فرق است بین فیلمی که دلسوزانه به پیشرفت کشور و جامعه می‌نگرد با فیلمی که به شکلی اغراق شده داستانی تلخ را بازگو می‌کند. فیلم ما با انگیزه رسیدن به روشنایی در یک رابطه خانوادگی از راه بستری اجتماعی ساخته شده است.

دغدغه‌ای از تهیه این فیلم داشتیم و چرا سراغ چنین مضمونی رفتید؟

همیشه نگاه نوآورانه در موضوعات اجتماعی در سینما برایم جذاب بوده و تهیه فیلم وابل هم در امتداد همین نگاه بوده است. خانواده و روابط خانوادگی در فیلم وابل از اهمیتی ویژه برخوردار است. این روابط همواره با عشق، کینه، محبت و تنفر همراه است و این مضمون‌ها داستان جذابی را باعث می‌شوند. اگر به سمت ساخت فیلمی مثل وابل رفته‌ام، به این دلیل بوده که پیوند‌های خانوادگی برایم دغدغه است و البته درام‌هایی که با چنین عناصری ساخته می‌شوند، برای مخاطب نیز جذاب هستند. به هر



سپهر سیفی، تهیه‌کننده فیلم «واابل» به عنوان یکی از فیلم‌های حاضر در جشنواره چهل و یکم فجر است. او با تهیه‌کنندگی فیلم‌های «هزارتو»، «نزدیک‌تر» و «ماهی و گربه» نشان داده است که همواره دیدگاه متفاوت یا به تعبیر خودش پیشنهاد‌های تازه‌ای برای سینمای ایران دارد. این تهیه‌کننده نقطه تمایز فیلم وابل را نسبت به فیلم‌های دیگر، فاصله گرفتن از فضای داستان‌های آیارتمانی می‌داند. یکی از دغدغه‌های سیفی برای پذیرفتن تهیه‌کنندگی این اثر نمایش روابط خانواده و پیوند‌های خانوادگی است. حضور سیفی در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر بهانه‌ای برای گفت‌وگو با او و پرسش‌هایی درباره دلیل انتخاب این فیلم برای تهیه‌کنندگی اوست که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

**واابل» به چه معناست و اگر بخواهید فیلم‌تان را در چند جمله به مخاطب معرفی کنید که برایش کنجکاوی ایجاد کند، چه می‌گویید؟**

واابل در لغت به معنای قطره درشت باران و همچنین باران تند و شدید است. نتیجه برخی از باران‌های شدید، سیل است و سیل هم مخرب و ویرانگر است. داستان ما از جایی شروع می‌شود که خانواده‌هایی به دلیل وقوع سیل، وضعیت زندگی‌شان تغییر می‌کند و چاره‌ای ندارند جز این که خودشان را با این وضعیت وفق دهند. درست زمانی که کودکی گم می‌شود، رازهایی برملا و آدم‌ها باهم درگیر می‌شوند. بهتر است بگویم وابل ضیافتی است از اشک‌ها و لبخندها همراه بالایه‌هایی پیچیده از روابط انسانی.

**با این کارنامه تهیه‌کنندگی از فیلم‌های «هزارتو»، «نزدیک‌تر» و «ماهی و گربه»، انتظار داریم وابل هم فیلم متفاوتی باشد. آیا همین طور است و دوباره سراغ یک قصه متفاوت رفته‌اید؟**

فیلم‌هایی که به آنها اشاره می‌کنید، فیلم‌هایی متفاوتی در سینمای ایران بوده‌اند و داستان‌هایی جدید را به سینمای ایران پیشنهاد کرده‌اند که با استقبال خوبی از طرف مخاطبان سینما نیز روبه‌رو شده‌اند؛ اگرچه هر کدام از آنها نسبت به دیگری هم متفاوت بوده‌اند.

ما در وابل باز هم سراغ داستانی متفاوت رفته‌ایم، مهم‌ترین تفاوتی که می‌توانم به آن اشاره کنم، فاصله گرفتن از داستان‌های آیارتمانی است. این فیلم در جغرافیایی غیر از تهران و در بستری اتفاق می‌افتد که کمتر به آن پرداخته شده است؛ ضمن این که تغییر فاز داستان از مجلسی شاد به موقعیتی سخت و دشوار باعث رقم خوردن داستانی متفاوت می‌شود.

**چه**